

تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران

رضوان حکیم زاده^۱، ابراهیم طلایی^۲ و ماندانا جوانک^۳

چکیده

امروزه، پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسانهای کارآمد و به‌کارگیری قابلیت‌های آنهاست. اندیشه انسانهای خلاق و با انگیزه گنجینه‌ای گرانبهاست که در صورت توجه و بهره‌برداری درست از آن، توسعه پایدار حاصل خواهد شد. ایران در زمره کشورهای است که مهاجرت نیروهای متخصص آن در بالاترین حد قرار دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت دانشجویان دانشگاه تهران انجام شد. روش پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی و پیمایشی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. نمونه مورد بررسی به شیوه تصادفی ساده به حجم ۴۱۵ نفر انتخاب و با ابزار پرسشنامه داده‌های مربوط جمع‌آوری شد. برای سنجش رضایت آموزشی از پرسشنامه نیل (۲۰۱۰)، در انطباق اجتماعی- دانشگاهی از پرسشنامه انطباق نهادی پاسکارلا و ترنزینی و برای سنجش بیگانگی اجتماعی- فرهنگی از سه خرده مقیاس از مقیاس بیگانگی ملوین سیمن استفاده شد. روایی این ابزار را استادان راهنما و مشاور تأیید کردند. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی- دانشگاهی، بیگانگی فرهنگی- اجتماعی و تمایل به مهاجرت به ترتیب ۰/۰۹، ۰/۷۱، ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بررسی رابطه متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک تمایل به مهاجرت از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد متغیرهای مستقل بیگانگی فرهنگی- اجتماعی و سن همبستگی مثبت معنادار و متغیر رضایت از نظام آموزشی، همبستگی منفی معناداری با متغیر تمایل به مهاجرت دارند. بین متغیر انطباق اجتماعی-دانشگاهی با میزان تمایل به مهاجرت رابطه معناداری مشاهده نشد. مردان به‌طور معناداری تمایل بیشتر و دانشجویان دوره کارشناسی در مقایسه با دوره

۱. استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران: hakimzadeh@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران: E.talae@modares.ac.ir

۳. کارشناسی‌ارشد تحقیقات آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* مسئول مکاتبات: mandanajavanak@yahoo.com

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱

کارشناسی ارشد و دکتری تمایل کمتری به مهاجرت دارند. تفاوت معناداری بین هیچ یک از طبقات اقتصادی- اجتماعی دانشجویان و میزان تمایل به مهاجرت وجود نداشت.

کلیدواژگان: تمایل به مهاجرت، رضایت از نظام آموزشی، بیگانگی فرهنگی- اجتماعی، انطباق اجتماعی- دانشگاهی.

مقدمه

امروزه، پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسانهای کارآمد و به‌کارگیری قابلیت‌های آنهاست. اندیشه انسانهای خلاق و با انگیزه گنجینه‌ای گرانبه‌است که در صورت توجه و بهره‌برداری درست از آن، توسعه پایدار حاصل خواهد شد. به دلیل نقش مهم عامل انسانی در پیشرفت کشورهای توسعه یافته، توجه به نیازها و تأمین نظر این قشر اهمیت زیادی دارد. چنانچه در نتیجه بی‌توجهی به نیروی انسانی کارآمد چنین ثروت عظیمی را به راحتی از دست دهیم، زیان حاصل جبران‌پذیر نیست و نتایج آن در تمام ابعاد توسعه کشور مشاهده خواهد شد.

در این خصوص، آمار موجود نشان می‌دهد که ایران در زمره کشورهای است که مهاجرت نیروهای متخصص آن در بالاترین حد قرار دارد. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول کشور ایران رتبه اول را در آمار مهاجرت نخبگان از میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه یافته دنیا کسب کرده است. صندوق بین‌المللی پول در این خصوص گزارش داده است که سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند و رقم خروج ۱۸۰ هزار نخبه تحصیل کرده از ایران به معنای خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور است. اگر آمار صندوق بین‌المللی پول در باره زیان ۵۰ میلیارد دلاری مهاجرت درست باشد، باید گفت که سالانه از روند مهاجرت نخبگان از کشور تقریباً معادل درآمد فروش نفت زیان مالی و اقتصادی متحمل می‌شویم. بر اساس آمار موجود ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی در حال حاضر در بهترین دانشگاه‌های خارج از کشور جذب شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از ۱۷۵ نفر دارندگان مدال المپیادهای کشور طی دو دهه اخیر حدود ۹۲٪ آنان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند (Nikoukar, 2009).

از نظر عباس‌زادگان (Abbaszadegan, 2000) مهاجرت تحصیل‌کردگان به دلیل مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. از این رو، در بررسی این پدیده لازم است به سیاست‌های آموزشی و علمی کشور، نظام اجتماعی و اقتصادی، فناوری توسعه و تعهد مهاجران نیز توجه شود. از نظر علوم اجتماعی زمینه این مسئله می‌تواند ضعف روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن و از نظر فرهنگی نقصان بار فرهنگی آموزش در نظر گرفته شود. از طرفی، جعفری معطر (Jafari Moatar, 2008) در پژوهش خود ضعف نظام آموزشی کشور را در صدر انگیزه‌های مؤثر بر دفع مغزها در نظر گرفته است.

همچنین، میزان مشارکت اجتماعی و سازکارهایی که موجب پیوستگی بیشتر فرد به جامعه می‌شوند، همبستگی و انطباق اجتماعی و نیز مسائل فرهنگی چون یگانگی فرهنگی و اجتماعی از عوامل مؤثری است که کمتر در تبیین پدیده مهاجرت به آنها پرداخته شده است. بر این اساس، با توجه به پیشینه تحقیق و با در نظر گرفتن اینکه در مطالعات انجام شده، به‌طور خاص عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بررسی نشده، در این پژوهش تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت دانشجویان دانشگاه تهران و به صورت موردی دانشکده فنی بررسی شده است.

مبانی نظری و پیشینه

ذاکر صالحی (Zakersalehi, 2007) در فرا تحلیلی که در خصوص مهاجرت متخصصان انجام داده، به این نتیجه رسیده است که می‌توان به‌صورت عمده دلایل مهاجرت تحصیل‌کردگان را در دو مقوله نظریه بحران منزلتی و نظریه اجتماعات پژوهشی تبیین کرد. نظریه بحران منزلتی یک رویکرد فرهنگی- اجتماعی به مقوله مهاجرت نخبگان است. تصمیم به مهاجرت در این رویکرد محصول نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی^۴ خود در جامعه است که دارای دو جنبه است: جنبه عینی که به رفاه و معیشت و سبک زندگی و میزان برخورداری آنها از مواهب و مزایای اجتماعی مربوط می‌شود و جنبه ذهنی و ادراکی که به برداشت نخبگان و جامعه از شأن و منزلت و جایگاه آنان بر می‌گردد و به این مقوله حالت نسبی می‌دهد. چنانچه از نظر شاخصهای عینی، این گروه واقعاً در رفاه نباشند و منزلت و جایگاه واقعی و در خور شأن نداشته باشند و نگرش و برداشت عمومی نیز این چنین باشد، فرد نخبه ممکن است تصمیم به مهاجرت به مکانی بگیرد که فضای عمومی اجتماعی در آن جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قایل است.

همچنین، در نظریه اجتماعات پژوهشی بیان می‌شود که دانش در یک فرایند گروهی با شکل‌گیری مناسبات یگانه خلق و تولید می‌شود. این مناسبات از آنجا که در پیوند با مجموعه‌های انسانی و تکنولوژیک خاص متولد می‌شوند، موجب می‌شود اجتماعات پژوهشی^۵ قابل مشابه‌سازی نباشند. لذا، پژوهشگران در صورت شکل نگرفتن این مناسبات به سمت فضاها و مجامع علمی بیرون کشانده می‌شوند تا هویت خود را حفظ کنند و استمرار بخشند (Zakersalehi, 2007). نراقی (Naraghi, 1977) در بیان نظریه نظام آموزشی اقتباسی، دلیل مهاجرت متخصصان از کشورهای در حال توسعه را به تقلیدی بودن نظام آموزشی این کشورها نسبت داده است.

یکی از بهترین معیارهایی که به درک رفتارهای ماندگاری دانشجو در کشور یا خارج شدن از آن کمک می‌کند، توسعه مدل مفهومی است. مدل مفهومی در دهه ۱۹۷۰ برای توضیح اینکه چرا دانشجویان

4. Social Status

5. Research Communities

تحصیل در دوره آموزش عالی را رها می‌کنند، پدید آمد. در میان مدل‌هایی که در آنها در باره ترک دانشجویی در نظام آموزشی توضیح داده شده است، مدل تینتو (Tinto, 1975) بیشترین گسترهٔ آزمون و بدنهٔ بزرگ پژوهش را تشکیل می‌دهد. طرح اصلی مدل تینتو این نظریه است که دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه صفاتی دارند که با انطباق آنها با نظام اجتماعی و دانشگاه در تقابل است. تینتو فرض کرده است که تعاملات دانشجویی در دانشگاه ممکن است به تجارب مثبت (منطبق‌کننده)، که افزایش دهندهٔ مقاصد و تعهدات به مؤسسه است، یا تجارب منفی (جداکنده)، که ضعیف‌کنندهٔ مقاصد و تعهدات به مؤسسه است، منجر شود. در توضیح این نظریه، تینتو متغیرها را در مقوله‌هایی که به تصمیم به ترک دانشگاه منجر می‌شود، سازماندهی می‌کند. در نظام دانشگاهی عملکرد علمی دانشجویی و تعامل با اعضای هیئت‌علمی به کسب تجارب مثبت می‌انجامد و موجب انطباق می‌شود یا ممکن است به تجارب منفی و در نهایت، جدا شدن دانشجویی از نظام منجر شود. اگر تجارب دانشجویی در نظام دانشگاهی و اجتماعی مثبت باشد، به تقویت اهداف و تعهدات و بنابراین، تقویت تصمیم دانشجویی برای ماندن در مؤسسه می‌انجامد و اگر تجارب دانشجویی در نظام دانشگاهی و اجتماعی بیشتر منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجویی ضعیف می‌شود و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجویی در نظام وجود دارد (Tinto, 1975). بر اساس مدل تینتو انطباق اجتماعی در درجه اول تابعی از میزان و کیفیت تعاملات گروه همسالان و میزان و کیفیت تعاملات دانشجویان با استادان است (Pascarella & Terenzini, 1980). انطباق دانشگاهی متشکل از ابعاد ساختاری و هنجاری است. انطباق ساختاری شامل استانداردهای صریح و روشن در دانشگاه است، در حالی که انطباق هنجاری به هویت افراد در خصوص ساختار هنجاری نظام دانشگاهی مربوط می‌شود (Aldossary, 2008). در پژوهش‌های بسیاری سودمند بودن مدل تینتو در پیش‌بینی ماندگاری دانشجویی تأیید شده است و با توجه به اینکه سازه‌های تینتو شامل انطباق دانشگاهی، انطباق اجتماعی و اهداف و تعهدات نهادی به میزان زیادی توانسته‌اند ماندگاری دانشجویی در نظام دانشگاه را پیش‌بینی کنند، در این پژوهش از سازه انطباق اجتماعی و دانشگاهی برای پی بردن به احتمال مهاجرت دانشجویی استفاده شده است. از طرف دیگر، آلتباخ، یکی از مطرح‌ترین صاحب‌نظران در زمینه آموزش عالی، به‌طور مشخص با استفاده از نظریه جاذبه و دافعه دلایل مهاجرت دانشجویان را توضیح داده است. وی معتقد است که الگوی فرار مغزها از دنیای در حال توسعه تا حدودی تغییر یافته است. استادان دانشگاهی که کشورشان را ترک می‌کنند، امروزه بیشتر با وطن خود ارتباط برقرار می‌کنند و از خارج با همکاران خود تشریک مساعی دارند. با این حال، الگوهای مهاجرت علمی در جهت زبان کشورهای در حال توسعه ادامه دارد. برخی از کشورها نظیر سنگاپور، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و برخی از کشورهای اروپای غربی، کانادا و ایالات متحده آمریکا خط‌مشی‌هایی برای تطبیع دانشجویان و محققان در خارج از کشور دارند. آلتباخ (Altbach, Reisberg, Liz & Rumbley, 2009) با استفاده از مدل جاذبه و دافعه در توضیح پدیده مهاجرت دانشجویان کشورهای جهان سوم، عوامل آموزشی مؤثر بر تصمیم به تحصیل در خارج از کشور را بیان کرده است.

جدول ۱- عوامل آموزشی مؤثر بر تصمیم‌گیری برای تحصیل در خارج از کشور با توجه به مدل جاذبه و دافعه

عوامل دافعه (کشور مبدأ)	عوامل جاذبه (کشور مقصد)
دسترسی به کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان بین‌المللی	دسترسی به کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان بین‌المللی
امکانات آموزشی با کیفیت پایین	امکانات آموزشی با کیفیت بالا
کمبود امکانات پژوهشی	دسترسی به امکانات پیشرفته تحقیقاتی
کمبود امکانات آموزشی مناسب یا عدم موفقیت در به دست آوردن پذیرش در نهادهای محلی	دسترسی به امکانات آموزشی مناسب با احتمال دریافت پیشنهاد برای پذیرش
وضعیت سیاسی نامتجانس	وضعیت سیاسی متجانس و همخوان
افزایش ارزش مدرک خارجی (در بازار کار)	محیط اقتصادی- اجتماعی متجانس
تبعیض علیه گروههای اقلیت	فرصت برای تجربه زندگی عمومی بین‌المللی
تشخیص بی‌کفایتی در شکل‌های موجود از آموزش سنتی	

جدول ۱ بینش لازم را در خصوص عوامل جاذبه و دافعه مربوط به تصمیم شخصی افراد در باره تحصیل در خارج از کشور ارائه می‌دهد. از طرفی، مسائل قومی و نژادی، بیگانگی فرهنگی و اجتماعی، تعارض ارزشها و هنجارهای فرهنگی جوامع در عصر جهانی شدن از جمله عوامل فرهنگی مؤثر بر پدیده مهاجرت است. فاصله گرفتن دانشگاهها از اهدافی چون گسترش مرزهای دانش و انتقال کارایی فنی، تنظیم و تحکیم مداوم هویت فردی (احساس خویشتن یابی و احساس بیگانگی با خویشتن)، تحکیم هویت اجتماعی، تحکیم احساس شهروندی، مشارکت در زندگی اجتماعی (خدمت به هموعان) و قشریندی اجتماعی واقعیتی انکارناپذیر در محیطهای دانشگاهی محسوب می‌شود که اغلب در مفاهیمی چون احساس بی‌قدرتی، احساس پوچی و احساس انزوای اجتماعی قابل ردیابی است. ویژگیهایی از این دست در قالب مفهوم «از خود بیگانگی» مطرح می‌شوند. بیگانگی احساس فردی از ناآرامی و ناراحتی است که نشان‌دهنده استتنا شدن یا طرد شدن فرد از مشارکت اجتماعی و فرهنگی است (Hajda, 1959). ملوین سیمن بیگانگی اجتماعی را از نظر رابطه فرد با اجتماع بررسی کرده و پنج متغیر شامل ناتوانی و بی‌قدرتی، پوچی (بی‌معنایی)، بی‌معیاری (بی‌هنجاری)، انزوا و بیگانگی فرهنگی و جدایی از خویشتن را تمییز داده است (Mohseni Tabrizi, 2002).

با توجه به اینکه در بررسیهای انجام شده در زمینه مهاجرت هنوز در خصوص همخوانی یا ناهمخوانی و انطباق اجتماعی و نیز بیگانگی اجتماعی- فرهنگی در میان دانشجویان ایرانی با تمایل به مهاجرت پژوهشی صورت نگرفته است، در این تحقیق بر اساس پژوهشهای قبلی، چارچوب نظری بر اساس مدل تینتو، نظریه التباخ و بیگانگی فرهنگی اجتماعی گذاشته شد. فرضیه محقق این است که عوامل آموزشی،

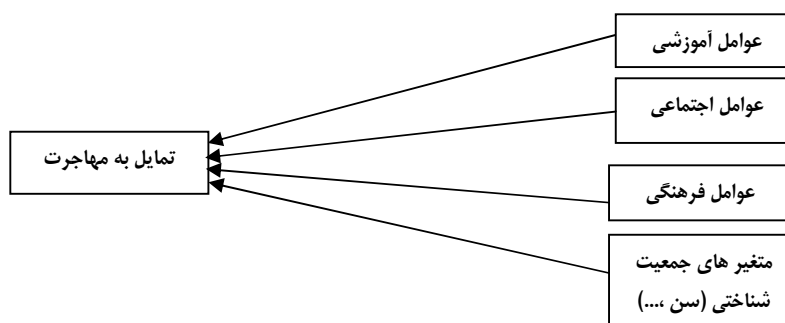
عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی و عوامل فردی ممکن است بر تمایل به مهاجرت تأثیر بگذارند. نکته متمایز در این پژوهش استفاده از مقیاس و پرسشنامه استاندارد در بررسی عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی است.

شعبانلو (Shabanlo, 2001) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور» دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف را به‌عنوان نمونه جامعه آماری انتخاب کرده است. در یافته‌های این تحقیق بر فرضیه تأثیر ارزیابی افراد از شرایط داخل و خارج از کشور و نگرشها و ویژگیهای شخصی آنان بر گرایش به مهاجرت تأکید شده است. از طرفی، فرضیه‌های مربوط به رابطه بین گرایش به مهاجرت (به‌عنوان متغیر وابسته) با شرایط سیاسی و فرهنگی داخل و خارج از کشور و همچنین، شرایط اقتصادی داخل کشور تأیید شدند و فرضیه‌های مربوط به رابطه بین گرایش به مهاجرت با شرایط اجتماعی و حرفه‌ای داخل و خارج از کشور و نیز شرایط اقتصادی خارج از کشور رد شدند. «بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور» (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران) عنوان پژوهشی است که صالحی عمران (Salehi Omran, 2006) انجام داده است. جامعه آماری آن کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که عواملی نظیر نبود توجه اجتماعی به ارزش‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس تبعیض و نابرابری به‌طور خیلی زیاد و زیاد به‌عنوان عواملی رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج مؤثر بوده است. عوامل سیاسی مانند فشارهای سیاسی و نبود آزادی در ابراز عقیده اهمیت چندانی در نظر اعضای هیئت علمی نداشته است. نتایج این تحقیق همچنین، نشان داد که امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقا و رشد علمی و حرفه‌ای، وجود داشتن فرصتهای شغلی بهتر، دسترسی بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و در نهایت، ارتباط بهتر تخصص با نیازهای جامعه خارجی به ترتیب در دیدگاه اعضای هیئت علمی به‌عنوان عوامل کوشی قلمداد شدند. در تحلیل نتایج این تحقیق از آزمون ناپارامتریک دو جمله‌ای استفاده شده است که در مقایسه با آزمونهای پارامتری توان کمتری دارد. نوری حکمت، مالکی، برادران عطار مقدم و دهنویه (Nouri Hekmat, Maleki, Baradaran, Attar Moghadam & Dehnoyeh, 2009) در باره عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران بررسی کردند. در این پژوهش عوامل مؤثر بر مهاجرت در شش حیطه شامل عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جهانی شدن، عوامل حرفه‌ای و عوامل اداری و آموزشی بررسی شد. از دیدگاه جامعه پژوهش بیشترین میانگین به عوامل اقتصادی و بعد از آن به ترتیب به عوامل اداری و آموزشی، عوامل حرفه‌ای، جهانی شدن، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی تعلق گرفت. نیکوکار در پژوهشی با عنوان «بررسی گرایش دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران به مهاجرت از کشور» در سال ۱۳۸۸ این پدیده را بررسی کرد. نتایج تحقیقات وی نشان داد که متغیرهای سن، میزان جاذبه‌های کشورهای خارجی و میزان دافعه‌های کشور ایران رابطه معناداری با

گرایش به مهاجرت دارند. در حالی که بین گرایش به مهاجرت به کشورهای خارجی با متغیرهای وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، جنسیت، مقطع تحصیلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه معناداری مشاهده نشد. از محدودیت‌های این پژوهش ابزار به کار گرفته شده است. همچنین، موراکامی (Murakami, 2010)، در پژوهشی با عنوان «فرار مغزها در ژاپن؛ تحلیلی از محققان ژاپنی ساکن در آمریکا». در خصوص انگیزه‌های مهاجرت با استفاده از نتایج به دست آمده از یک نظرسنجی در بین محققان علمی در شانزده دانشگاه و هفت مؤسسه تحقیقاتی وابسته به مؤسسات برجسته تحقیقاتی ایالات متحده بررسی کرد. نمونه تحقیق وی شامل افرادی بود که برای انجام دادن تحقیقات در دوره دکتری به آمریکا رفته بودند. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عامل ایجاد انگیزه در مهاجرت در میان محققان ژاپنی در دسترس بودن محیط تحقیقاتی عالی است که به وسیله سطح پیشرفته توسعه علم و فناوری، بودجه فراوان، کیفیت بالای امکانات و کارکنان، تنوع منابع انسانی، وجود داشتن فرصت بحث آزاد و کاهش مسئولیت برای انجام دادن کارهای گوناگون اندازه‌گیری شد. همچنین، محیط تحقیقاتی در تصمیم‌گیری به بازگشت به وطن مؤثر بوده است و محققانی که از محیط پژوهش مطلوب لذت برده‌اند و سطح رضایت بالایی دارند، به احتمال زیاد به میهن خود برنمی‌گردند. اکمن (Akman, 2011) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مهاجرت بین‌المللی دانشجویان: بررسی و ارزیابی موردی ترکیه» نشان داد که عوامل جاذبه در قصد دانشجویان دانشگاه به مهاجرت، در جنسیت متفاوت و تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از تعداد عوامل جاذبه در زنان دانشجویان بوده است. تعداد عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت به‌طور معناداری با تصمیم به کار کردن در خارج، تصمیم به زندگی در خارج و تصمیم به اقامت در خارج رابطه داشت. اما بین عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت با قصد بازگشت به ترکیه، حمایت خانواده، سطح تحصیلات والدین و عملکرد مؤسسات مطالعات تحقیق و توسعه در خارج ارتباطی وجود نداشت. قشر نخبه در هر کشوری عامل توسعه و پیشرفت در آن کشور است و به همین دلیل، هر عاملی که باعث مهاجرت این افراد از وطن خود به دیگر نقاط دنیا شود، باید شناخته و مهار شود. مطالب ذکر شده در خصوص نقش و جایگاه نیروی انسانی تحصیل کرده، لزوم تحقیق در این زمینه را بیش از پیش آشکار می‌کند. هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت دانشجویان بود. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، تلاش شده است تا به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. آیا بین میزان رضایت دانشجویان از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین میزان انطباق اجتماعی و دانشگاهی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین میزان بیگانگی اجتماعی- فرهنگی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان رابطه وجود دارد؟
۴. متغیرهای میزان رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی و دانشگاهی و بیگانگی اجتماعی- فرهنگی تا چه میزان پیش‌بینی کننده میزان تمایل به مهاجرت هستند؟

۵. آیا بین سن و میزان تمایل به مهاجرت دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟
۶. آیا بین دانشجویان زن و مرد در میزان تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد؟
۷. آیا بین سطح اقتصادی- اجتماعی دانشجویان با میزان تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد؟
۸. آیا بین دوره تحصیلی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؟



شکل ۱ - مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش از نوع کاربردی بود و به روش توصیفی و پیمایشی انجام شد. هدف از این طرح پی بردن به وجود رابطه معنادار بین متغیرهای رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی- دانشگاهی و بیگانگی فرهنگی- اجتماعی با متغیر تمایل به مهاجرت بود و اینکه متغیرهای پیش‌بین تا چه میزان پیش‌بینی کننده تغییرات متغیر تمایل به مهاجرت هستند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده فنی دانشگاه تهران در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ و به تعداد ۷۵۷۰ نفر بود. با توجه به جامعه آماری و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای مشتمل بر ۴۱۵ نفر آزمودنی (۲۱۵ مرد و ۱۹۸ زن) انتخاب شدند. میانگین سن نمونه ۲۲/۳ و انحراف معیار ۲/۶ است. در این پژوهش از پنج پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بخش اول اطلاعات جمعیت شناختی سؤالها مربوط به سن، جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع و رشته تحصیلی و وضعیت اقتصادی- اجتماعی دانشجویان، بخش دوم مربوط به پرسشنامه رضایت از نظام آموزشی، بخش سوم مربوط به پرسشنامه انطباق اجتماعی و دانشگاهی، بخش چهارم مربوط به پرسشنامه بیگانگی فرهنگی- اجتماعی و بخش آخر مربوط به پرسشنامه تمایل به مهاجرت بود. برای سنجش عوامل آموزشی از پرسشنامه نیل (Neill, 2010)، که برای سنجش میزان رضایت دانشجو از

تجربه دانشگاهی طراحی شده است، به تعداد ۳۰ سؤال در طیف چهار گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. در پرسشنامه مربوط به عوامل اجتماعی از پرسشنامه انطباق نهادی پاسکارلا و ترزینی (Pascarella & Terenzini, 1980)، که در مدل تینتو برای سنجش میزان انطباق اجتماعی و دانشگاهی دانشجوی استفاده شده است، به تعداد ۱۶ سؤال بهره گرفته شد. در پرسشنامه مربوط به عوامل فرهنگی، از مقیاس بیگانگی فرهنگی- اجتماعی ملوین سیمن (Seeman, 1983) استفاده شد. مقیاس بیگانگی سیمن شامل شش خرده مقیاس احساس بی قدرتی^۷، احساس بی معنایی (پوچی)^۸، بیگانگی فرهنگی^۹، احساس بی هنجاری^{۱۰}، جدایی از خویشان^{۱۱} و بیگانگی از کار^{۱۲} است. در این پژوهش از این شش خرده مقیاس، سه خرده مقیاس بی معنایی، بیگانگی فرهنگی و احساس بی قدرتی یا عدم اقتدار، با توجه به اینکه گویه‌های بهتری در بیان کردن ناهمخوانی ارزشهای فرد با ارزشهای جامعه و در نتیجه، جدایی وی از جامعه دارند و می‌توانند توجیه کننده تمایل به مهاجرت باشند، به تعداد ۱۵ سؤال در طیف چهار گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم استفاده شد. در آخر نیز پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش میزان تمایل به مهاجرت دانشجوی با هفت گویه در طیف سه گزینه‌ای لیکرت (هرگز، گاهی اوقات و اغلب) و نیز یک سؤال در مقیاس پیوسته که در آن دانشجوی تمایل به مهاجرت را روی بازه‌ای از یک تا ده مشخص می‌کند، استفاده شد. در این پرسشنامه همچنین، یک سؤال باز پاسخ و یک سؤال پنج گزینه‌ای برای مشخص کردن اقدامات انجام شده به وسیله دانشجوی برای مهاجرت و نیز اصلی‌ترین دلیل مهاجرت از دید دانشجویان قرار داده شد. روایی این پرسشنامه را استادان راهنما و مشاور تأیید کردند. پایایی این ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۱۸} تأیید شد. آلفای کرونباخ برای متغیرهای رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی- دانشگاهی، بیگانگی فرهنگی- اجتماعی و تمایل به مهاجرت به ترتیب ۰/۹، ۰/۷۱، ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ به دست آمد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بررسی رابطه متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک تمایل به مهاجرت از ضریب همبستگی پیرسون و نیز برای تعیین میزان قدرت پیش‌بینی کنندگی متغیرها از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد.

-
7. Powerlessness
 8. Meaninglessness
 9. Cultural Estrangement
 10. Norm lessness
 11. Self Isolation
 12. Estrangement from Work

یافته‌ها

۱. آیا بین میزان رضایت دانشجویان از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت رابطه وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال با توجه به کمی بودن هر دو متغیر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در جدول ۲ رابطه بین رضایت دانشجویان از نظام آموزشی و میزان تمایل به مهاجرت نشان داده شده است. بین رضایت از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت رابطه عکس معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی $-0/193$ - بدین معناست که دانشجویانی که رضایت کمتری از نظام آموزشی در دانشگاه دارند، تمایل بیشتری برای مهاجرت از کشور نشان می‌دهند.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین رضایت از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت

تمایل به مهاجرت			r	متغیرها
N	p			
۴۱۵	$0/001$	$0/037$	$-0/193$	رضایت از نظام آموزشی

۲. آیا بین میزان انطباق اجتماعی و دانشگاهی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان رابطه وجود دارد؟

با توجه به جدول ۳، همبستگی بین میزان انطباق اجتماعی و دانشگاهی و تمایل به مهاجرت از نظر آماری معنادار نیست. با توجه به مقدار p که بیشتر از $0/05$ است، رابطه معناداری بین انطباق اجتماعی و دانشگاهی [که در این پژوهش به عنوان عوامل اجتماعی مطرح است] و تمایل به مهاجرت وجود ندارد.

جدول ۳ - ضریب همبستگی بین انطباق اجتماعی و دانشگاهی و تمایل به مهاجرت

تمایل به مهاجرت			r	متغیرها
N	p			
۴۱۵	$0/728$	$0/0003$	$-0/017$	انطباق اجتماعی دانشگاهی

۳. آیا بین میزان بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان رابطه وجود دارد؟

با توجه به جدول ۴، بین میزان بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و تمایل به مهاجرت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی $0/31$ بدین معناست که به نظر می‌رسد هر قدر احساس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی بیشتر باشد، تمایل به مهاجرت نیز در دانشجویان بیشتر است. ضریب تعیین $0/096$

نشان می‌دهد که ۹/۶۱٪ از واریانس تمایل به مهاجرت را میزان بیگانگی فرهنگی- اجتماعی تبیین می‌کند.

جدول ۴- ضریب همبستگی بین بیگانگی فرهنگی- اجتماعی و تمایل به مهاجرت

تمایل به مهاجرت			r	متغیرها
N	p			
۴۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۹۶	۰/۳۱	بیگانگی فرهنگی- اجتماعی

همچنین، بررسی ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بیشترین ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین خرده مقیاس احساس بی‌قدرتی، بیگانگی فرهنگی- اجتماعی کل، خرده مقیاس بیگانگی فرهنگی، رضایت از نظام آموزشی و خرده مقیاس بی‌معنایی با متغیر ملاک به ترتیب ضرایب ۰/۳۱۰، ۰/۲۲۳، ۰/۱۹۳، ۰/۱۷۰ مشاهده می‌شود. همگی این ضرایب در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار گزارش شده‌اند.

جدول ۵- ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک تمایل به مهاجرت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تمایل به مهاجرت	۱						
رضایت از نظام آموزشی	*-۰/۱۹۳	۱					
انطباق اجتماعی- دانشگاهی	-۰/۰۱۷	**۰/۴۵۶	۱				
بیگانگی فرهنگی- اجتماعی (کل)	**۰/۳۱۰	**۰/۲۱۲	**۰/۲۳۲	۱			
خرده مقیاس بیگانگی فرهنگی	**۰/۲۲۳	**۰/۱۴۲	**۰/۱۷۷	**۰/۷۳۴	۱		
خرده مقیاس بی‌معنایی (پوچی)	**۰/۱۷۰	*-۰/۱	**۰/۱۶۸	**۰/۸۰	**۰/۴۳۴	۱	
خرده مقیاس بی‌قدرتی	**۰/۳۳۹	**۰/۲۷۵	**۰/۲۱۸	**۰/۹۹۹	**۰/۴۶۷	**۰/۵۲۳	۱

**P<0.01

*P<0.05

۴. متغیرهای میزان رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی و دانشگاهی و بیگانگی

اجتماعی- فرهنگی تا چه میزان پیش‌بینی کننده میزان تمایل به مهاجرت هستند؟

در این بخش با استفاده از روش تحلیل رگرسیون متغیر تمایل به مهاجرت تبیین شده است. هدف از این بخش درک میزان تغییرات متغیر ملاک بر اساس متغیرهای میزان رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی- دانشگاهی، بیگانگی فرهنگی- اجتماعی، جنسیت، سطح اقتصادی- اجتماعی و دوره تحصیلی است. یکی از روشهای معمول برای انتخاب متغیرها روش گام به گام است. در این روش ورود متغیرها

خارج از اختیار پژوهشگر است. اولین متغیری که وارد معادله رگرسیون می‌شود، متغیری است که بالاترین همبستگی صفر مرتبه را با متغیر ملاک دارد. سپس، سایر پیش‌بین‌ها بر حسب ضریب همبستگی تفکیکی یا نیمه تفکیکی وارد تحلیل می‌شوند (Sarmad, 2008). در جدول ۶ رگرسیون متغیرهای پیش‌بین بر روی متغیر تمایل به مهاجرت نشان داده شده است. مطابق جدول ۶، متغیرهای بیگانگی فرهنگی-اجتماعی، رضایت از نظام آموزشی، انطباق اجتماعی-دانشگاهی، سطح اقتصادی-اجتماعی، جنسیت و مقطع تحصیلی وارد مدل شده و بقیه متغیرها وارد مدل نشده‌اند.

جدول ۶- رگرسیون متغیرهای پیش‌بین بر متغیر تمایل به مهاجرت

مرتبه ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده در هر مرحله	R	تعدیل شده	خطای استاندارد	F	P
۱	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی	۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۴۸۳	۰/۱۱	۰/۰۰۱
۲	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی مقطع تحصیلی	۰/۳۶۴	۰/۱۳۳	۰/۴۷۳	۰/۰۲۳	۰/۰۰۱
۳	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی دوره تحصیلی سطح اقتصادی اجتماعی	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۰/۴۷۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
۴	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی دوره تحصیلی سطح اقتصادی اجتماعی جنسیت	۰/۳۹۴	۰/۱۵۷	۰/۴۶۷	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
۵	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی دوره تحصیلی سطح اقتصادی اجتماعی جنسیت رضایت از سیستم آموزشی	۰/۴۰۸	۰/۱۶۷	۰/۴۵۶	۰/۰۱	۰/۰۰۱
۶	بیگانگی فرهنگی-اجتماعی دوره تحصیلی سطح اقتصادی اجتماعی جنسیت رضایت از نظام آموزشی انطباق اجتماعی-دانشگاهی	۰/۴۲۴	۰/۱۸	۰/۴۶۲	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۶، این مدل ۱۸ درصد واریانس متغیر تمایل به مهاجرت در دانشجویان را تبیین می‌کند. در هر مرتبه با ورود متغیر جدید نمو واریانس Δ محاسبه شده است. بیشترین نمو واریانس را با ورود پیش‌بین بیگانگی فرهنگی-اجتماعی (۰/۱۱) شاهد هستیم. برای بررسی معناداری رگرسیون؛ یعنی آزمون اینکه آیا متغیرهای پیش‌بین می‌توانند در پیش‌بینی متغیر ملاک (تمایل به مهاجرت) مؤثر

باشند یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد. F به دست آمده در هر شش مدل در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. جدول ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین بر متغیر تمایل به مهاجرت نشان داد که بزرگ‌ترین ضریب بتا مربوط به متغیر بیگانگی فرهنگی-اجتماعی (۰/۳۱) است و بنابراین، بیشترین تأثیر را بر متغیر تمایل به مهاجرت دارد. پس از آن متغیر دوره تحصیلی و سپس، به ترتیب متغیرهای سطح اقتصادی-اجتماعی، جنسیت، رضایت از نظام آموزشی و انطباق اجتماعی- فرهنگی بر تمایل بر مهاجرت مؤثرند و کمترین تأثیر را نیز متغیر جنسیت دارد.

۵. آیا بین سن و میزان تمایل به مهاجرت دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟

متغیر ملاک در این پژوهش تمایل به مهاجرت دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. برای پاسخگویی به این سؤال با توجه به اینکه هر دو متغیر ملاک و پیش‌بین کمی بودند، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس جدول ۷، بین سن و تمایل به مهاجرت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بدین معنا که با افزایش سن تمایل به مهاجرت بیشتر می‌شود. میزان این همبستگی ۰/۱۵۹ و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

جدول ۷- ارتباط بین سن و تمایل به مهاجرت در دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران

ضریب همبستگی پیرسون	تمایل به مهاجرت
$r=0/159$ $p=0/001$	سن دانشجویان

۶. آیا بین دانشجویان زن و مرد در میزان تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال از آزمون تی مستقل استفاده شد. با توجه به اطلاعات جدول ۸، میانگین متغیر وابسته در دانشجویان زن ۱/۲ و در دانشجویان مرد ۲/۹ است. بنابراین، بین جنسیت و میزان تمایل به مهاجرت در سطح ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود دارد و دانشجویان مرد به‌طور معناداری تمایل بیشتری به مهاجرت دارند.

جدول ۸- آزمون t مستقل میزان تمایل به مهاجرت برای دانشجویان زن و مرد

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	Sig
زن	۱۹۸	۱/۲	۰/۴۸	۴۱۱	۲/۴	۰/۰۱۸
مرد	۲۱۵	۲/۹	۰/۵۳			

۷. آیا بین سطح اقتصادی- اجتماعی دانشجویان با میزان تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال از آزمون تحلیل واریانس یکراهه (ANOVA) استفاده شد. با توجه به اطلاعات جدول ۹، میانگین متغیر وابسته در سطح پایین اقتصادی- اجتماعی ۲/۱۵، در سطح متوسط ۲/۱۳ و در سطح بالا ۲/۲۲ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون F در سطوح مختلف اقتصادی- اجتماعی ۰/۳۸ و بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگینها در متغیر اقتصادی- اجتماعی در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست و بین سطح اقتصادی- اجتماعی خانواده در تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۹- آزمون تحلیل واریانس یکراهه میزان تمایل به مهاجرت در سطح اقتصادی- اجتماعی پایین، متوسط و بالا

Sig	F	درجه آزادی بین گروه‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	سطح اقتصادی- اجتماعی خانواده
۰/۳۸	۰/۹۶	۳۷۵	۰/۴۸	۲/۱۵	۱۱۵	پایین
			۰/۵۲	۲/۲۳	۱۲۳	متوسط
			۰/۵۱	۲/۲۲	۱۴۰	بالا

۸. آیا بین دوره تحصیلی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال از آزمون تحلیل واریانس یکراهه (ANOVA) استفاده شد. با توجه به اطلاعات جدول ۱۰، میانگین متغیر وابسته در دوره کارشناسی ۲/۱۳، در دوره کارشناسی‌ارشد ۲/۳۵ و در دوره کارشناسی‌ارشد ۲/۳۷ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون F در دوره‌های مختلف در متغیر وابسته ۰/۰۱ و کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگینها در متغیر دوره تحصیلی معنادار است و بین دوره تحصیلی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان تفاوت معنادار وجود دارد. پس از آن با توجه به یکسان بودن واریانس گروهها، از آزمون تعقیبی توکی برای مشخص کردن تفاوت میان دوره‌ها استفاده و مشخص شد که بین دانشجویان دوره کارشناسی با دانشجویان دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری تفاوت وجود دارد و به نظر می‌رسد که دانشجویان دوره کارشناسی تمایل کمتری به مهاجرت دارند.

جدول ۱۰- آزمون تحلیل واریانس یکراه میزبان تمایل به مهاجرت در دوره تحصیلی دانشجویان

دوره تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی کل	F	Sig
کارشناسی	۲۷۷	۲/۰۱	۰/۵۱	۴۱۱	۸/۸۵	P<0.01
کارشناسی ارشد	۱۱۹	۲/۳۵	۰/۴۶			
دکتری	۱۶	۲/۳۷	۰/۴۹			

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج پژوهش بین تمایل به مهاجرت و میزان رضایت دانشجویان از نظام آموزشی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همان‌گونه که در پیشینه نظری اشاره شد، ضعف نظام آموزشی در کشورهای جهان سوم از مهم‌ترین دلایل مؤثر بر مهاجرت تحصیل‌کردگان است (Jafari Moatar, 2008). در مطالعه پورتر اشاره شد که مهم‌ترین عامل مؤثر در کنترل فرار مغزها ارتقا و به روز ساختن نظامهای آموزشی است (Asgari, Taghavi, Askari & Shakeri, 2008). از طرفی، همان‌گونه که در پیشینه نظری آمده است، کشور ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که همچنان بحث تقلیدی بودن نظام آموزشی در آن مطرح است. در دانشگاهها کوششی برای انطباق میان دستاوردهای کشورهای پیشرفته با نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد و نتیجه چنین نظام آموزشی خروج افرادی است که توانایی و مهارت لازم را برای ارتباط و همکاری با بخش صنعت ندارند. تغییر در نظام آموزشی و از جمله در نظر گرفتن بحث بومی‌سازی و تطبیق آموخته‌های علمی دانشجویان با نیازهای جامعه امروز ایران و نیز بخشهای مختلف صنعت می‌تواند زمینه ساز ایجاد انگیزش و احساس رضایت از نظام آموزشی و در نهایت، جذب تحصیل‌کردگان در بازار کار باشد و این مسئله می‌تواند موجب کاهش تمایل به مهاجرت در دانشجویان شود. آلتباخ نیز در تبیین عوامل آموزشی مؤثر بر تصمیم به تحصیل در خارج از کشور در میان دانشجویان کشورهای در حال توسعه، امکانات آموزشی با کیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی را بر شمرده است (Altbach et al., 2009). در پیشینه پژوهشی نیز در بحث نظریه‌های خاص تبیین‌کننده مهاجرت، نظریه اجتماعات پژوهشی بیان می‌کند که دانش در فرایندی گروهی و با شکل‌گیری مناسبات خاص خلق و تولید می‌شود و با توجه به آنکه این مناسبات در پیوندهای انسانی و تکنولوژیک خاص متولد می‌شوند، اجتماعات پژوهشی قابل مشابه سازی نخواهند بود و در نتیجه شکل نگرفتن این مناسبات، پژوهشگران به سمت فضاها و مجامع علمی بیرون کشیده می‌شوند تا هویت خود را حفظ کنند (Zakersalehi, 2007). مجموع این عوامل تبیین‌کننده دلیل ارتباط رضایت از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت از کشور است و همان‌طور که در نتایج تحقیق مشخص شد، ارتباط معکوس و معنادار بین رضایت دانشجویان از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت وجود دارد و با افزایش میزان رضایت از نظام آموزشی، تمایل به مهاجرت کاهش می‌یابد و برعکس. هر

چند در هیچ پژوهشی تاکنون میزان تأثیر عوامل آموزشی، به ترتیبی که در این پژوهش به دست آمده، بیان نشده است، با این حال، این نتیجه با پژوهش انجام شده در خصوص تأثیر عوامل علمی آموزشی و پژوهشی که در بر دارنده رابطه بین عوامل آموزشی و تمایل به مهاجرت بود، همخوان است (Nouri Hekmat et al., 2009; Murakami, 2010; Fallahi & Monaarian, 2008).

در این پژوهش رابطه معناداری بین انطباق اجتماعی و دانشگاهی [به عنوان عامل اجتماعی] و میزان تمایل به مهاجرت وجود نداشت. همان‌طور که در بخش پیشینه نظری آورده شد، محیط اجتماعی دانشگاه، همچون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی و عامل اجتماعی کننده نقش عمده‌ای در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزشهای اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه مفهوم من اجتماعی و انتقال ارزشها و مهارتها ایفا می‌کند (Zaki, 2009). میزان مشارکت اجتماعی و سازکارهایی که موجب پیوستگی بیشتر فرد به جامعه می‌شوند، در قالب همبستگی، همخوانی و انطباق اجتماعی تعریف می‌شوند. انطباق اجتماعی به درجه تناسب بین افراد (دانشجویان) و نظام اجتماعی (دانشگاه) اشاره دارد که تابعی از میزان و کیفیت تعاملات گروه همسالان و میزان تعاملات دانشجویان با استادان است (Tinto, 1975). در نتایج پژوهش مشخص شد که میزان رضایت دانشجویان از تعاملات در دانشگاه در سطح متوسط است. با این حال، رابطه آماری معناداری بین میزان تمایل به مهاجرت و انطباق اجتماعی و دانشگاهی پیدا نشد. این نتیجه ممکن است بیانگر این موضوع باشد که شاید به نوعی بحث انطباق اجتماعی و دانشگاهی در مسائل زمینه ساز تمایل به مهاجرت خیلی مطرح نیست و این پدیده تحت تأثیر عوامل اجتماعی دیگری در خارج از محیط دانشگاه باشد.

از نتایج قابل توجه در این پژوهش وجود رابطه مثبت معنادار بین همه خرده مقیاسهای متغیر بیگانگی فرهنگی-اجتماعی شامل بی‌قدرتی، بی‌معنایی (پوچی) و بیگانگی فرهنگی-اجتماعی با تمایل به مهاجرت است. ضریب همبستگی بین خرده مقیاس بی‌قدرتی با همبستگی ۰/۳۲۹ بالاترین همبستگی را با میزان تمایل به مهاجرت داشت. احساس بی‌قدرتی حالت فردی است که احساس بی‌قدرتی و بی‌اختیاری کند و قادر نباشد بر محیط اجتماعی خود تأثیر بگذارد. ناامیدی را که فرد ممکن است به‌عنوان پیامدی از ناهمخوانی و تفاوت بین کنترل مورد انتظار او و میزان کنترل صورت گرفته احساس کند، بی‌قدرتی می‌گویند (Seeman, 1983). ضریب همبستگی بین خرده مقیاس بیگانگی فرهنگی و میزان تمایل به مهاجرت ۰/۲۲۳ بود؛ بدین معنا که هر قدر احساس بیگانگی فرهنگی در دانشجو بیشتر شود، تمایل وی به مهاجرت نیز بیشتر می‌شود. بیگانگی فرهنگی به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزشها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس تفرد می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند. فردی که دچار بیگانگی فرهنگی شده است، به شیوه‌های کارکردی جامعه اعتقادی ندارد و چون نمی‌تواند این روابط و هدفها را نفی کند، کناره‌گیری اختیار می‌کند (Zaki, 2009). دانشجویی که از جامعه کناره‌گیری کند و با ارزشهای جامعه بیگانه شده باشد، از نظر روانی آمادگی و تمایل به مهاجرت پیدا می‌کند. همچنین، ضریب همبستگی بین خرده مقیاس

بی‌معنایی (پوچی) با تمایل به مهاجرت ۰/۱۷ بود که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار است. هر چقدر فرد در جامعه احساس بی‌معنایی بیشتری کند، میزان تمایل وی به مهاجرت افزایش می‌یابد. احساس بی‌معنایی (پوچی) حالتی است که فرد احساس می‌کند در باورها و عقاید خود دچار ابهام شده است و نمی‌داند به چه چیز باید اعتقاد داشته باشد؛ به عبارت دیگر، انتظار چندانی از رضایتبخش بودن پیش‌بینی‌های رفتاری خود در آینده ندارد (Zaki, 2009).

ضریب همبستگی بین بیگانگی فرهنگی - اجتماعی کل با تمایل به مهاجرت ۰/۳۱۰ بود که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار است و با در نظر گرفتن ضریب تعیین می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۱۰ درصد از تغییرات تمایل به مهاجرت را متغیر بیگانگی فرهنگی - اجتماعی تبیین می‌کند. بیگانگی احساس فردی از ناآرامی و ناراحتی و نشان‌دهنده استثنا شدن یا طرد شدن فرد از مشارکت اجتماعی و فرهنگی است (Hajda, 1959). بدین معنا که هر قدر حس جدایی ذهنی و عینی دانشجو از نظام اجتماعی جامعه بیشتر می‌شود، تمایل به مهاجرت از کشور نیز بیشتر می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه در پژوهش‌های انجام شده بین مشارکت اجتماعی و احساس بیگانگی دانشجویان ارتباط معنادار و منفی وجود داشته است (Zaki, 2009)، جدایی فرد از جامعه و احساس بیگانگی اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز تمایل به مهاجرت فرد شود. از طرف دیگر، در ادبیات پژوهش نیز نظریه بحران منزلتی، که رویکردی فرهنگی - اجتماعی به مقوله مهاجرت نخبگان دارد، بیان می‌کند که تصمیم به مهاجرت محصول نوع نگاه تحصیل‌کردگان و نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی خود در جامعه است. چنانچه این گروه منزلت و جایگاه واقعی خود را نداشته باشند و احساس جدایی و ناهمخوانی با جامعه کنند، ممکن است تصمیم بگیرند به مکانی مهاجرت کنند که فضای عمومی اجتماعی و فرهنگی در آن جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قابل است (Zakersalehi, 2007). این دلایل می‌تواند توجه‌کننده ارتباط بین احساس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و تمایل به مهاجرت در دانشجویان باشد که در نتایج پژوهش بیان شد. ارتباط منفی و معنادار بین این متغیر و تمایل دانشجویان به مهاجرت و افزایش در احساس بیگانگی به تمایل بیشتر به مهاجرت منجر می‌شود. گفتنی است که در هیچ یک از پژوهش‌های قبلی انجام شده ارتباط بیگانگی فرهنگی - اجتماعی با میزان تمایل به مهاجرت بررسی نشده است.

در این پژوهش تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام به منظور پیش‌بینی عوامل مؤثر بر مهاجرت نیز انجام شد. یافته‌ها مشخص کرد که این مدل ۱۸ درصد تغییرات متغیر تمایل به مهاجرت را تبیین می‌کند. بزرگ‌ترین ضریب بتا بر اساس نتایج به دست آمده مربوط به متغیر بیگانگی فرهنگی - اجتماعی است که نشان می‌دهد این متغیر، در میان متغیرهای پیش بین وارد شده، بیشترین تأثیر را بر متغیر تمایل به مهاجرت دارد؛ به بیان دیگر، از میان متغیرهای پیش‌بین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان تمایل به مهاجرت، ابتدا بیگانگی فرهنگی - اجتماعی است و سپس، به ترتیب متغیرهای دوره تحصیلی، سطح اقتصادی - اجتماعی، جنسیت، رضایت از نظام آموزشی و انطباق اجتماعی - فرهنگی بر تمایل به مهاجرت

تأثیر دارند. این مسئله لزوم توجه به پدیدهٔ رو به گسترش بیگانگی فرهنگی - اجتماعی در میان دانشجویان را، که به واقع سرمایه‌های کشورند و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه منوط به ماندگاری آنها در کشور است، بیش از پیش مشخص می‌کند. هر چند که عوامل اقتصادی همواره به‌عنوان عاملی مهم در تمایل به مهاجرت مطرح بوده‌اند، به نظر می‌رسد که در جوامع علمی زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی نیز نقش عمده‌ای در ایجاد تمایل به مهاجرت ایفا می‌کنند و این امر به وسیلهٔ نظریه‌های خاص مهاجرت متخصصان نیز تأیید می‌شود.

رابطهٔ معنادار بین سن و میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان نشان می‌دهد که با افزایش سن میزان تمایل به مهاجرت بیشتر می‌شود. این نتیجه بر خلاف نتیجه نیکوکار (Nikoukar, 2009) است که نشان داد بین سن و تمایل به مهاجرت رابطهٔ منفی وجود دارد. احتمال دارد که با افزایش سن تصمیم‌گیری برای ترک محل زندگی و رفتن به یک مکان جدید راحت‌تر باشد، زیرا به‌طور کلی، چنین تغییری می‌تواند در سنین پایین‌تر به دلیل وابستگی بیشتر اشخاص به خانواده و محیط نگرانی‌های بیشتری برای وی ایجاد کند. این در حالی است که با افزایش سن می‌توان انتظار داشت که هم از میزان وابستگی‌های اشخاص کم شود و هم جرئت لازم برای مواجه شدن با شرایط مبهم در محیط جدید حاصل شود، امری که می‌تواند تمایل بیشتر به مهاجرت را در سنین بالاتر در بین دانشجویان توجیه کند.

نتایج نشان داد که دانشجویان مرد به‌طور معناداری تمایل بیشتری به مهاجرت دارند. این نتیجه برخلاف پژوهش نیکوکار (Nikoukar, 2009) است که در آن جنسیت متغیر تعیین‌کننده‌ای برای گرایش به مهاجرت نبوده است. یک تبیین برای این نتیجه ممکن است این باشد که دانشجویان مرد نگرانی بیشتری در خصوص مشکلات اقتصادی خود در کشور دارند و در نتیجه، برای رفع آن تمایل بیشتری به مهاجرت پیدا می‌کنند. از طرفی، خانواده‌ها معمولاً راحت‌تر به مردان اجازه می‌دهند کشور را ترک و به تنهایی در محیط جدید زندگی کنند و نیز وابستگی بیشتر زنان به خانواده می‌تواند به‌عنوان تبیین بیان شود. در این پژوهش بین سطح اقتصادی - اجتماعی خانواده و تمایل به مهاجرت دانشجویان تفاوت معناداری وجود نداشت، بدین معنا که دانشجویان با سطوح اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط و بالا تفاوتی در تمایل به مهاجرت به خارج از کشور ندارند. این یافته با نتیجهٔ پژوهش نیکوکار (Nikoukar, 2009) نیز همخوان است. یک تبیین برای این نتیجه می‌تواند این باشد که تمایل به مهاجرت در بافت امروزی کشور کمتر تحت تأثیر مسائل و شرایط اقتصادی - اجتماعی خانواده است و اینکه تصمیم نهایی به مهاجرت احتمالاً به وسیلهٔ عوامل دیگری کنترل می‌شود. فرزندان خانواده‌های مرفه به‌دلیل برخورداری از امکانات بیشتر به مهاجرت تمایل دارند و فرزندان خانواده‌های سطح متوسط و پایین به دنبال به‌دست آوردن امکانات بیشتر و رسیدن به شرایط ایده‌آل‌تر در آینده به مهاجرت تمایل دارند.

نتایج پژوهش نشان داد که بین دوره‌های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری تفاوت معناداری در تمایل به مهاجرت وجود دارد و آزمون تعقیبی نشان داد که دانشجویان در دوره‌های

کارشناسی‌ارشد و دکتری تمایل بیشتری به مهاجرت از کشور دارند. این نتیجه با توجه به بیشتر شدن امکان اخذ پذیرش، استفاده از بورسهای تحصیلی و ادامه تحصیل بدون پرداخت هزینه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در خارج از کشور قابل تبیین است. از طرف دیگر، دانشجویان دوره‌های تکمیلی آمادگی بیشتری برای انجام دادن پژوهش دارند و با توجه به فراهم بودن این زمینه در دانشگاههای خارج از کشور و تخصیص بودجه‌های کلان به بخش تحقیقات در این دانشگاهها، آنها بیشتر جذب این مراکز می‌شوند.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. با توجه به تمایل بیشتر دانشجویان دوره‌های تکمیلی به مهاجرت، سیاستگذاران آموزش عالی می‌توانند به گسترش کیفیت این دوره‌ها، با فراهم ساختن امکان اعزام دانشجویان به‌صورت بورسیه برای کسب تجربه تحصیل، تمهیداتی برای بازگشت مجدد آنان بیندیشند.
 ۲. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به‌منظور اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک میان دانشگاههای داخل با دانشگاههای خارج از کشور و با همکاری استادان ایرانی خارج از کشور و استفاده از ظرفیتهای آنها در برگزاری نشستها و کنفرانسها صورت گیرد.
 ۳. راه‌اندازی مراکزی که در آن ضمن تشویق ابداعات و اختراعات دانشجویان، اطلاع‌رسانی در سطح بین‌المللی در حوزه‌های علمی به‌منظور معرفی قابلیتها و توان علمی آنان صورت بگیرد تا ضمن افزایش اعتماد به نفس دانشجویان در عرصه علمی و فرهنگی به تقویت هویت ایرانی در آنان در عرصه جهانی منجر شود.
 ۴. با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان داد همبستگی معناداری بین خرده مقیاسهای بی‌قدرتی، بی‌معنایی و بیگانگی فرهنگی و نیز مقیاس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و تمایل دانشجویان به مهاجرت وجود دارد و همچنین، متغیر بیگانگی بیشترین اثر را در پیش‌بینی تمایل به مهاجرت دارد، لازم است در زمینه شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد بیگانگی فرهنگی - اجتماعی در میان دانشجویان پژوهش انجام شود. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به‌عنوان متولی امر آموزش عالی در کشور، باید اهتمام کافی در خصوص تشخیص عوامل زمینه‌ساز و نیز برطرف کردن و کاهش احساس بیگانگی و جدایی دانشجویان از جامعه داشته باشد. این مهم از طریق تلاش برای تحکیم مداوم هویت فردی، احساس خویشن‌یابی و تحکیم هویت اجتماعی در قشر دانشجو از طریق دروس عمومی امکان‌پذیر است.
 ۵. همان‌گونه که از نتایج پژوهش مشخص شد، بین میزان رضایت از نظام آموزشی و تمایل به مهاجرت رابطه وجود دارد. پیشنهاد می‌شود از طریق راهبردهایی نظیر تعریف پروژه‌های صنعتی برای

دانشجویان با حمایت دولت، تبادل نیروی انسانی بین دانشگاه و صنعت، فعالیتهای آنها و امکانات آزمایشگاههای تحقیقاتی مشترک، بازدید استادان و دانشجویان دانشگاه از صنعت، تأسیس شهرکها و پارکهای علمی برای دانش‌آموختگان و برقراری امکان اجرای پژوهش با توجه به زمینه‌های مورد علاقه آنها و همچنین، جدیت بخشیدن به کارگاهها و پروژه‌های آزمایشگاهی به‌عنوان وسیله آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار، در جهت افزایش میزان رضایت دانشجویان از نظام آموزشی کشور و در نتیجه، حفظ سرمایه انسانی کشور تلاش شود.

ع با توجه به اهمیت احترام به شأن و منزلت اصحاب علم در کاهش تمایل آنان به مهاجرت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی به منظور افزایش احترام و توجه بیشتر به مقام علم و تحصیل‌کردگان از طریق مسئولان فرهنگی در رسانه‌های ملی کشور اجرا شود. همچنین، ایجاد انجمنهای علمی با حضور استادان دانشگاهها و دانشجویان برای برقراری ارتباط و تعاملات بیشتر در فضای علمی دانشگاهها می‌تواند در بهبود تعاملات در فضای علمی و در نتیجه، جلب مشارکت دانشجویان تأثیرگذار باشد.

References

1. Abbaszadegan, SM. (16 May 2000). The issue of brain drain in Iran. *Hamshahri Newspaper* (in Persian).
2. Akman, V. (2011). Factors in flouncing international student migration: A survey and evaluators of Turkeys case. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 13(3).
3. Aldossary, SA. (2008). A study of the factors affecting students retention at king Saud university, Saudi Arabia: Structural Equation Modeling and Qualitative Methods.
4. Altbach, P.G., Reisberg, L., & Rumbley, L.E. (2009). *Trends in global higher education: Tracking academic revolutions*.
5. Asgari, H., Taghavi, M., Askari, M., & Shakeri, A. (2008). Investigating the causes of brain drain from developing countries to OECD counties using gravity model. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 1-22 (in Persian).
6. Fallahi, K., & Monavarian, A. (2008). Studying factors of elite migration(human resources) and providing suitable policy to prevent this phenomenon. *Journal of Science and Development*, (24) (in Persian).

7. Hajda, J. (1959). Alienation and integration of student intellectuals, Annual meeting of the American Sociological Society, Chicago, John Hopkins University.
8. Jafari Moatar, F. (2008). *Elite migration*. Tehran: Publications of Humanities Research and Development (in Persian).
9. Mohseni Tabrizi, A.R. (2002). Pathological aspects of socio-cultural alienation: A study of value isolation in Iran's states universities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 8(4), 119-182 (in Persian).
10. Murakami, Y. (2010). Japans brain drain an anljsis of Japanese researches living in the United States. *The Japanese Economy*, 37(2), 23-57.
11. Naraghi, E. (1977). *Community, youth, university*. Pocket Books Inc., Third Edition (in Persian).
12. Neill, J. (2010). *The university satisfaction and time management questionnaire*. Centre for Applied Psychology, University of Canberra.
13. Nikoukar, M. R.(2009). Studying tendency to migration among graduate students' of university of Tehran. (Master dissertation).Tehran University (in Persian).
14. Nouri Hekmat, S., Maleki, M. R., Baradaran Attar Moghadam, H.R., & Dehnoyeh, R. (2009). Factors affecting on elite migration from the students of Medical Science of Iran's point of view. *Journal of Studying and Developing Center of Medical Education*, (2),181-184(in Persian).
15. Pascarella, E., & Terenzini, P. (1980). Predicting freshman persistence and voluntary dropout decisions from a theoretical model. *Journal of Higher Education*, 51, 60-75.
16. Salehi Omran, E. (2006). Studying the attitudes of faculty member toward immigration abroad: Case study Mazandaran University. *Letter of Social Science*, (28)(in Persian).

17. Sarmad, Z. (2008). *Inferential statistics, A selection of univariate statistical Analysis*. Tehran: Institute for Studying Humanities and Providing Books of Universities (in Persian).
18. Seeman, M.(1983). Alienation motifs in contemporary theorizing: The hidden continuity of the classic themes. *Social Psychology Quarterly*, 46,171-184.
19. Shabanlo, R.(2001).Investigating the tendency to immigration of students. (Master dissertation). Tehran: Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University (in Persian).
20. Tinto, V. (1975). Dropout from higher education: A theoretical synthesis of recent research. *Reveiw of Educational Research*, 45.
21. Zakersalehi, Gh.R. (2007). Meta-analysis of studies about elites attraction and preventing from their migration. *Journal of Sociology of Iran*, 8 (1), 113-135(in Persian).
22. Zaki, M.A. (2009). Social alienation of youth: A case of the students of university of Esfahan, Youth Research. *Culture and Society*, (3) (in Persian).